



## بررسی مهارت های تفکر انتقادی در برنامه درسی دانشگاهی

سید احمد هاشمی

دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

Hmd\_hashemi@yahoo.com

رضا غلامیان

دانشجوی دکتری تخصصی گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

Reza7659@yahoo.com

### چکیده

رشد و پرورش مهارت های فکری، به ویژه مهارت های تفکر انتقادی یادگیرندگان، همیشه در نظام های آموزشی موضوع پیچیده ای بوده، اما امروزه حالت بحرانی به خود گرفته است. زیرا طبق برون داد اطلاعات جامعه از توانایی سال های اخیر، متخصصان امور تربیتی، به شدت از ناتوانی یادگیرندگان در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده اند. در چند دهه اخیر، صاحب نظران از ابعاد مختلف به بررسی تفکر انتقادی و پرورش آن به عنوان یکی از اهداف اصلی دانشگاه ها پرداخته اند. علاقه به توسعه توانایی های تفکر انتقادی در محافل آموزشی پدیده جدیدی نیست. دانشگاه های امروز بتدریج از این سنت دیرینه فاصله گرفته و بیشترین توجه خود را صرفا به ارائه اطلاعات معطوف کرده اند و این امر در حالی است که در عصر انفجار اطلاعات؛ نه تنها برخورداری از اطلاعات خام که تجزیه و تحلیل آنها حائز اهمیت است. یکی از اهداف اصلی دانشگاه ها تربیت انسان های متفکر و خلاق است و برنامه درسی دانشگاهی باید به دانشجویان کمک کند تا ضمن تسلط بر مباحث علمی مورد نظر؛ توانایی استدلال، تحلیل و ارزشیابی مطالب و تفکر انتقادی را نیز داشته باشند. تفکر انتقادی قدرتی در شخص ایجاد می کند که او را برای چالش های دنیای به سرعت متغیر کنونی آماده می سازد. یکی از راه های دستیابی و پرورش مهارت های تفکر انتقادی در یادگیرندگان، تدوین برنامه های درسی مناسب در نظام های آموزشی است. به تعبیری، تفکر انتقادی را می توان فرایند تبدیل چارچوب تحلیل ضمنی ذهن به یک چارچوب عینی برای تبدیل اطلاعات، تجارب و مهارت های کسب شده از طریق برنامه درسی و تجارب حاصله در موقعیت های آموزش و یادگیری معنا کرد. در این مقاله، ضمن بیان ضرورت و اهمیت پرورش تفکر انتقادی، سطوح آن نوع تفکر و ارتباط آن با برنامه های درسی را معرفی و بررسی می کنیم.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، تفکر انتقادی، دانشگاه

**مقدمه**

قرن ها است که فلاسفه و صاحب نظران علوم تربیتی عقیده دارند که انسان برای حفظ و ادامه زندگی خود نیاز به یادگیری و اندیشیدن دارد. یادگیری، هدف تعلیم و تربیت است و پرورش قوه استدلال و رشد قوه قضاوت، مقصد اصلی تعلیم و تربیت می باشد (جهانی، ۱۳۸۰). (Paul, 2005) معتقد است که تربیت انسان های صاحب اندیشه و ذهن کاوشگر، باید نخستین هدف و محصول نهایی تعلیم و تربیت باشد (قریب، ۱۳۸۴) دیوبی در کتاب چگونه، فکر می کنیم درباره مفهوم تفکر می گوید: عملی که در آن موقعیت موجود موجب تأیید یا تولید واقعیت های دیگر می شود یا روشی که در آن باورهای آینده بر اساس باورهای گذشته پایه گذاری می گردد (مصلا نژاد و سبحانیان، ۱۳۸۸) پرورش مهارت انتقادی اندیشیدن یک اصل مهم برای آموزش عالی است، اصلی که دانشگا هها را برای تربیت دانشجویان با توانایی تحلیل و استدلال پیچیده تر بسیج می نماید. هالپرن (۱۹۹۱) معتقد است در دهه های اخیر این موضوع طی مطالعات گوناگون پذیرفته شده است مبنی بر اینکه آموزش تفکر انتقادی هدفی مطلوب و اساسی برای آموزش عالی می باشد؛ هدفی که برنامه درسی، فعالیت های آموزشی و سیاست گذاری های آموزش عالی بر محوریت آن شکل داده شده است. تغییرات مستمر و فزاینده در قرن ۱۸ اقتضا می کند که بشر برای نیل به مقاصد خویش به تلاش فکری بیشتری بپردازد. علم، ناظر به یکی از این تلاش هاست که بیشترین توجه را به عنوان عرصه بروز خلاقیت، هوش، جدیت و سایر قابلیت های فکری انسان طلب می نماید. پرسشی که اینجا مطرح است، این است که آیا همیشه پیشرفت های علم مفید بوده است؟ زیرا برغم تغییرات بزرگ تکنولوژیکی که علم در زمینه های بهبود سلامتی، اقتصاد و سبک زندگی به وجود آورده، مسائل و پیچیدگی های جدیدی نیز در زندگی بشر پدیدار گشته است که چالش های ذهنی زیادی را برای شهروندان در زمینه تصمیم گیری درباره مسائل مختلف اخلاقی برای خود، دیگران و بشریت ایجاد کرده اند (Gun, greeg, puma, 2008)، پس لازم است فراگیران به سطوح عالی تفکر و خودشناسی دست یافته و در فرایندهای شناختی و حل مسأله تبحر کافی داشته باشند. این مهم در آموزش عالی اهمیت دوچندان می یابد. لذا تحقق این وظایف و رسالت ها نیازمند ابزارهایی همچون برنامه درسی متناسب است. برنامه درسی اصلی ترین عنصر نظام آموزش عالی و بنیادی ترین ابزار برای فراهم آوری دانش، تجربه و مهارت دانشجویان برای عرضه خدمات به جامعه است و به عنوان قلب این نظام، نقش مهمی در تحقق اهداف این نهاد و ترسیم کننده نقشه ها و اهداف آن ایفا می کند (برخوردار و همکاران، ۱۳۸۹) برنامه درسی در هر جامعه مسئولیت آماده سازی فراگیران برای رویارویی با چنین موقعیتی را بر عهده دارد. این امر میتواند از طریق توجه به پرورش تفکر انتقادی و رشد بهبود قوه ی قضاوت افراد تحقق یابد (Florens & et al, 2012) برنامه درسی دانشگاهی باید به دانشجویان کمک کند تا ضمن تسلط بر مباحث علمی موردنظر؛ توانایی استدلال، تحلیل و ارزشیابی مطالب و تفکر انتقادی را نیز داشته باشند. تفکر انتقادی قدرتی در شخص ایجاد می کند که او را برای چالش های دنیای به سرعت متغیر کنونی آماده می سازد.

**روش تحقیق**

در این پژوهش جمع آوری اطلاعات با بررسی نظری و مرور نتایج سایر پژوهش ها و ارائه چند مهارتهای تفکر انتقادی در برنامه های درسی انجام شد.

**ضرورت و اهمیت پرورش تفکر انتقادی**

تفکر انتقادی سبب می شود که فرد از مدارک و شواهد موجود بالاترین درک را داشته باشد و درک کردن، فرد را قادر می سازد تا نظرات و معانی را که در ورای هرچیز مهم وجود دارد آشکار سازد حتی در موقعیت های روزمره، تفکر انتقادی، تفاوت واقعی میان موفقیت و شکست در هر کار را به ما می نمایاند و به موفقیت یاری می رساند. تفکر موضوعی است که در میان مباحث فلسفی و روانشناسی سابقه ای طولانی دارد از زمان سقراط و افلاطون تا امروز تفکر و جنبه های مختلف آن به صورت گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین یکی از توانایی های بارز انسان تفکر است. بعضی ها تفکر را پردازش



اطلاعات، بهره گیری از ادراکات، مفاهیم، نمادها، و تصاویر ذهنی تعریف کرده اند و برخی ها تفکر را عبارت از حل مشکلات، تصمیم گیری و ارائه واقعیت بیرونی معنی کردند و جان دیویی فکر را عبارت از درک روابط می داند. بنابراین تفکر زمانی حاصل می شود که فرد به مساله و مشکل جدیدی روبرو شود یا مطلبی در ذهن فرد خطور کند. بیشتر مردم، نه فقط مردم ما که اکثر مردم دنیا، فکر نمی کنند. چرا؟ چون آموزش ندیده اند. فکر کردن یک مهارت است و آنها که در زندگی شان به موفقیت های چشمگیری دست یافته اند، سریع و حرفه ای این مهارت را آموخته اند و به کار گرفته اند.

## برنامه درسی و تفکر انتقادی

مهارت تحلیل عینی اطلاعات و تجارب را تفکر انتقادی نامیده اند. در تفکر عادی، فرد معمولاً از تجربیات قبلی خود استفاده می کند، آنها را در زمینه و طرح جدیدی قرار می دهد و با تغییر شکل و سازمان دادن آنها، در حل مسائل از آنها استفاده می کند. در حالی که تفکر انتقادی، تفکری تحلیلی است و دربرگیرنده شناسایی، ارزشیابی و جدل کردن است. برنامه درسی نیز طرح و نقشه یادگیری است. به عبارت دیگر، مجموعه قواعد و ضوابطی که به مجموعه عوامل و عناصر مرتبط به یادگیری منطق و سازمان می دهد، برنامه درسی نامیده می شود. برنامه درسی اصلی ترین عنصر نظام آموزش عالی و بنیادی ترین ابزار برای فراهم آوری دانش، تجربه و مهارت دانشجویان برای عرضه خدمات به جامعه است و به عنوان قلب این نظام، نقش مهمی در تحقق اهداف این نهاد و ترسیم کننده نقشه ها و اهداف آن ایفا می کند (برخوردار و همکاران، ۱۳۸۹). برنامه درسی در هر جامعه مسئولیت آماده سازی فراگیران برای رویارویی با چنین موقعیتی را بر عهده دارد. این امر میتواند از طریق توجه به پرورش تفکر انتقادی و رشد و بهبود قوه ی قضاوت افراد تحقق یابد (Florens & et al, 2012). برنامه درسی دانشگاهی باید به دانشجویان کمک کند تا ضمن تسلط بر مباحث علمی موردنظر؛ توانایی استدلال، تحلیل و ارزشیابی مطالب و تفکر انتقادی را نیز داشته باشند. تفکر انتقادی قدرتی در شخص ایجاد می کند که او را برای چالش های دنیای به سرعت متغیر کنونی آماده می سازد (Lee & et al, 2012). بنابراین در دنیای پسا مدرن، هدف تعلیم و تربیت، آموزش مهارت های تمییز، تشخیص، ترکیب، فرضیه سازی، مجسم کردن، توجیه و ارزیابی و چگونگی به نتیجه رسیدن است و ارتقای سطح مهارت های تفکر انتقادی، یک نتیجه قابل انتظار از تحصیلات عالی دوره کارشناسی و بالاتر به حساب می آید. دانشگاه به عنوان مراکز تولید فکر و اندیشه در هر جامعه ای از زوایای مختلفی میتواند در توسعه و ارتقای تفکر انتقادی در جامعه موثر باشد. دانشگاه این نقش را با استفاده از ارکان و ظرفیت های مختلف خود از جمله اعضای هیئت علمی دانشجویان کارشناسان برنامه های درسی مقررات و ساختارهای اداری به انجام می رساند (عارفی و رضایی زاده، ۱۳۹۰). طراحی برنامه های درسی می توانند منعکس کننده این باور مهم در مورد یادگیرندگان باشد که آنها این مهارت ها را نه تنها برای بالا بردن حداکثر توانشان باید بیاموزند بلکه به عنوان یک مهارت عمومی در کلاس های درسی به کار بگیرند و این امر مهم را به سایر حوزه های زندگی شان انتقال دهند (Mc kinder & et al, 2010). توجه به این مطلب، جایگاه برنامه درسی در پرورش تفکر انتقادی را نمایان می گردد، هدف این پژوهش بررسی تجارب دانشجویان کارشناسی ارشد در خصوص مبحث تفکر انتقادی بر اساس برنامه درسی تجربه شده آنان است. برنامه درسی در اینجا بر اساس تعریف (Dall, 1964) شامل تمام تجربی است که فرد یادگیرنده در فرایند حضور در موسسات آموزشی به دست می آورد. کیفیت آینده ما تماماً به کیفیت تفکر ما بستگی دارد. این نکته هم در سطح فرد، هم در سطح جامعه و هم در سطح دنیا مصداق دارد (دوبونو، ۱۳۹۲). به طور کلی تفکر قابلیت است که فرد بتواند به وسیله آن مسئله ای را حل کند و یا حقیقتی را درک نماید. تفکر را همان فرآیندهای عالی ذهن چون حل مساله، استدلال، خلاقیت مفهوم پردازی، تخیل، حافظه، طبقه بندی و فرآیندهای اساسی ذهنی کودکان خردسال چون زبان و ادراک اشیاء و رویدادها دانسته اند. فلاسفه اسلامی به پیروی از ارسطو فکر را حرکت عقل از مقصود بسوی مبادی یا معلومات و از مبادی بسوی مطلوب می دانند. درنظر کانت فکر کردن همان حکم وارجاع تصورات به احکام است. بدین نحو که باهمه تصورات حاصل از قوه حس را بهم پیوند داده و با ایجاد اتحاد ضروری میان آنها قضیه ای کلی ساخته و حکم می کند. یکی دیگر از مباحث مرتبط با این موضوع که لازم است به آن پرداخته شود، ارتباط بین برنامه درسی





## نقش روش های تدریس در رشد تفکر انتقادی دانشجویان

کاربرد یافته های پژوهشی در تدریس مبتنی بر تفکر انتقادی: در جامعه حاضر و در نظام فعلی آموزش و پرورش تفکر انتقادی به عنوان ضرورتی اساسی تلقی می شود این ضرورت در بیشتر کشورها هم وجود دارد پژوهش ها نشان می دهد برای پرورش تفکر انتقادی و آموختن موضوعات درسی باید آنها را با واقعیت های محیط پیرامون ارتباط داد. گفته می شود موضوعات درسی را از چشم انداز تفکر انتقادی هر زمان که ممکن باشد تدریس کنید تصور می شود هر گاه رویدادهای محیط زندگی واقعی با موضوعات درسی درهم آمیخته شوند می توان دانش آموزان را برای تفکر انتقادی ترغیب کرد همچنین باید به دانش آموزان کمک کرد تا روحیه نقادی را در فضای کلاسی مطلوب پیش گیرند در کلاسی که فضای مطلوبی برای سؤال کردن، چالش، زیر سؤال بردن راه حل ها، برهان خواهی، و توجیه عملیات وجود داشته باشد، زمینه برای یادگیری تفکر انتقادی فراهم شده است. معلمان باید از دانش آموزان سوالاتی بپرسند که آنان را وادار به ارزشیابی، بازبینی، و عمل بر روی تفکر خویش سازند (آقازاده، ۱۳۹۴). از جمله روش های متداول آموزش، روش سخنرانی بدون بحث و مباحثه است که به عنوان روش غالب در برخی از مراکز آموزشی اجرا می شود و در آن تفکر انتقادی یا فقط به طور ضمنی، روش های متداول، آموزش داده می شود و یا هرگز یاد داده نمی شود (خلیلی، ۱۳۸۲) آموزشی، افرادی با اطلاعات نظری فراوان تحویل جامعه می دهند که از حل کوچکترین مسائل جامعه در آینده عاجز هستند. به طوری که گاه حتی بخش اندکی از این اطلاعات را به یاد نیآورده و یا در صورت یادآوری، این اطلاعات منسوخ شده به حساب می آیند. به عبارت دیگر روش آموزش سنتی در دانشگاه ها در بیشتر مواقع مخلوطی از اطلاعات و مفاهیم را به دانشجویان ارائه می دهد، اما آنان را در تجزیه و تحلیل، اولویت بندی و سازماندهی دانش نوظهور که لازمه تفکر انتقادی بوده و منجر به یادگیری مؤثر و بامعنی خواهد گشت، به حال خود می گذارد. باید اذعان کرد که مؤسسات آموزشی به هدف پرورش مهارت های تفکر انتقادی و انتقال اطلاعات به محیط خارج از دانشگاه توجهی ننموده و این امر منجر به ایجاد نارضایتی در کارفرمایان از بعد عدم کارآئی فارغ التحصیلان در محیط کار است. صاحب نظران معتقدند تفکر انتقادی در رشته های علمی مختلف باید به شیوه های مختلف توسعه یابد. نمی توان دستورالعمل ثابتی را برای آموزش و پرورش تفکر انتقادی در تمام رشته ها صادر کرد. اما آن چه بیشتر این صاحب نظران بر آن اتفاق نظر دارند این است که مهارت های تفکر انتقادی هنگام بحث و تبادل اندیشه و حل مسأله به بهترین وجه پرورش می یابد.

## برنامه های درسی مناسب برای آموزش تفکر انتقادی

در تفکر عادی، فرد معمولاً از تجربیات قبلی خود استفاده می کند آن ها را در زمینه و طرح جدیدی قرار می دهد و با تغییر شکل و سازمان دادن به آنها، در حل مسائل از آنها استفاده می کند در حالی که تفکر انتقادی تفکری تحلیلی است و دربرگیرنده شناسایی، ارزشیابی، و جدل کردن است. برنامه درسی نیز طرح و نقشه یادگیری است. این طرح و نقشه یادگیری باید به گونه ای سازمان یابد که در برگیرنده فرصت هایی برای یادگیری باشد تا یادگیرندگان بتوانند موضوع را بشکافند، اجزاء آن را تک تک بسنجند و در ادامه، شیوه ترکیب آنها را واری و نقادانه قضاوت کنند. هدف ایجاد برنامه درسی، ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است. اما چنان که شاهد هستیم برنامه های درسی بندرت فرصت هایی برای ایجاد و پرورش مهارت انتقادی به وجود می آورند. و بیشتر بر حافظه محوری تاکید دارند. از آنجا که تفکر انتقادی این امر را میسر می سازد که حقیقت را در میان به هم ریختگی حوادث و اطلاعاتی جستجو کند و کامل ترین درک ممکن را میسر می سازد برنامه های درسی باید به گونه ای سازمان یابد که به یادگیرندگان شیوه های قضاوت درباره جامعه و تفکر در مورد زندگی خویش را بیاموزند. این امر از طریق محور قرار دادن تفکر در عرصه برنامه های درسی، گزینش روش های اثر بخش برای تفکر انتقادی، و کاربرد نتیجه حاصل از تفکر در موقعیت های یادگیری گوناگون، بهینه سازی شرایط و قراردادن فرصت هایی در برنامه های درسی برای ایجاد یادگیری توأم با درک و فهم و تفکر نقادانه میسر خواهد شد. (حسینی راد، علمداری، ۱۳۹۰). برنامه درسی مهمترین و





# روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی

1 March 2018

www.kaues.com

1st National Conference on Research Achievements in Psychology, Educational Sciences &amp; Humanities

مؤثرترین عاملی است که در سیستم آموزشی جهت ارتقای تفکر انتقادی دانشجویان می تواند مؤثر باشد. در صورتی که تفکر انتقادی به عنوان واحد درسی جداگانه در برنامه درسی در نظر گرفته شود باعث رشد خلاقیت، تقویت مهارت پرسشگری، رشد توانایی علمی معلمان، شناسایی نقاط ضعف برنامه درسی در رسیدن به اهداف و ارائه راهکار برای رفع این نقاط ضعف می شود همچنین زمینه یادگیری بیشتری را برای دانشجویان فراهم می کند. در همین این راستا مشارکت کنندگان به ناکارآمدی نظام آموزشی و نبود محتوای آموزشی در خصوص تفکر انتقادی به عنوان موانع به آن اشاره کردند. واقعیت این است که وضعیت کنونی دانشگاه های ایران در توجه به تفکر انتقادی در برنامه درسی وضعیت قابل قبولی نیست. بدیهی است ایجاد تغییر در هر برنامه سنتی و رایج که سالهاست نظام آموزشی بدان عادت کرده، در آغاز، امری مشکل یا غیر ممکن به نظر می آید، اما وقتی به ضرورت و فواید آن پی برده و کارایی آن را عملاً تجربه کنند، قطعاً گرایششان به تفکر انتقادی در برنامه درسی بیش تر خواهد شد.

## محتوای برنامه درسی برای پرورش تفکر انتقادی

در راستای پرورش تفکر انتقادی، نظام آموزشی می تواند از طریق تدوین برنامه درسی متناسب به این مهم بپردازد. اهداف برنامه درسی با فراهم سازی بستری مناسب و جهت دهی به فعالیت ها و منابع آموزشی به ایفای نقش می پردازند. در پرورش تفکر انتقادی محتوا و فرایند باید با هم در نظر گرفته شوند و تنها به انتقال پاره ای از اطلاعات در کتب درسی یا توسط معلم بسنده نشود. استفاده از منابع متنوع و تنظیم کتب درسی بطور غنی می تواند به پرورش تفکر انتقادی دانش آموزان کمک نماید. علاوه بر منابع درسی و محتوای مورد نظر برای آموزش، روش تدریس و یاددهی محتوا نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است که روش های اکتشافی، حل مسئله، مباحثه و مدل سازی می توان جهت پرورش تفکر انتقادی دانش آموزان استفاده نمود. همچنین نوع ارزشیابی و چگونگی اجرای آن اثر مهمی بر شکل گیری تفکر انتقادی فراگیران می گذارد. بدین شرح که روش های فرایند محور بهتر از روش های پاسخ محور منجر به تفکر انتقادی و تحول آن می شود. لذا پیشنهاد می شود از روش های ارزشیابی فرایندی و خلاقیت محور که منجر به تفکر انتقادی می شود استفاده شود. بطور کلی جهت بهبود تفکر انتقادی و فراهم سازی فرایند تحول آن در دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش، می توان از طریق برنامه درسی که شامل مؤلفه های مهمی از قبیل اهداف، محتوا، تدریس و فرایند ارزشیابی می باشد به پرورش تفکر انتقادی دانش آموزان اقدام نمود تا از طریق آن به خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در آنها نایل شد. رابطه محتوا و ارتباط عمودی: دست یابی به اهداف معمولاً زمان زیادی را می طلبد. بنابراین فرصتهای یادگیری می بایست به طور متوالی به گونه ای تهیه شوند که مطالب یاد گرفته شده در طی سالهای مختلف یکدیگر را پشتیبانی و تقویت کنند. از سوی دیگر توزیع و تقسیم بندی فعالیت های یادگیری در پایه های مختلف به گونه ای باشد که موجب سنگینی مطالب در یک پایه نشود. ارتباط عمودی مثل: ساده به مشکل، کل به جزء، مارپیچی، ساختار دانش می باشد (لوی، ترجمه مشایخ، ۱۳۹۱) رابطه محتوا و ارتباط افقی: محتوای کتاب درسی باید با محتوای سایر کتاب های درسی هم پایه هماهنگ باشد و مورد پشتیبانی قرار بگیرد. این ارتباط موجب می شود جنبه های گوناگون یادگیری همدیگر را تقویت کنند و در مخاطبین اندیشه نظام دار بوجود بیاورند. موازی سازی رشته ها، بین رشته ای، و فرا رشته ای جزء سازماندهی محتوا هستند (لوی، ترجمه مشایخ، ۱۳۹۱)

## بحث و نتیجه گیری

برنامه های درسی، ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است. اما چنان که شاهد هستیم، برنامه های درسی به ندرت فرصت تهابی برای ایجاد و پرورش مهارت های انتقادی به وجود می آورند و بیشتر بر حافظه محوری تأکید دارند. این در حالی است که مربیان بزرگ تربیتی، تفکر را پایه و اساس تعلیم و تربیت دانست هاند و از سویی دیگر، با تکیه بر آن و محور قرار دادن تفکر در امر یادگیری، می توان به تربیت یادگیرندگانی فعال، پویا و رو به تعالی پرداخت. بنابراین برنامه نویسان، برنامه ریزان و متخصصان برنامه درسی، باید برنامه درسی حافظ همجور را که یادگیرنده را ترغیب می کند تا با حفظ کردن متن و سؤالات و



انباشتن ذهن از اطلاعات مرتبط و نامرتب با زندگی واقعی، باعث هدر رفتن هزینه‌ها، امکانات و قابلیت‌های افراد شود، کناره‌ها و در جهت حل مسائل و مشکلات جامعه و پرورش نسلی که دارای تجاربی غنی و عملیاتی، نگاهی تیزبینانه و دیدی کنجکاوانه نسبت به موضوعات پیرامونشان باشد، گام بردارند؛ به صورتی که سبب افزایش درک و فهم کسب شده یادگیرندگان از مفاهیم دریافتی موجود در برنامه‌های درسی شود تا برای یادگیرندگان قابل درک و تفسیر باشد و آنان را به سوی یادگیری معنادار هدایت کند. از آنجا که تفکر انتقادی این کار را برای افراد ممکن می‌سازد تا حقیقت را در میان به هم ریختگی حوادث و اطلاعاتی جست و جو کند که همه روزه وی را احاطه می‌کند و بر هدفش که رسیدن به کامل‌ترین درک ممکن است، دست یابد (ملکی، ۱۳۸۹). برنامه‌های درسی باید به گونه‌ای سازمان یابند که به یادگیرندگان شیوه‌های قضاوت درباره‌ی جامعه و تفکر در مورد زندگی خویش را بیاموزند (سیف، ۱۳۷۹). این امر از طریق محور قرار دادن تفکر در عرصه‌ی برنامه‌های درسی، گزینش روش‌های اثربخش برای پرورش تفکر انتقادی و کاربرد نتیجه حاصله از تفکر در موقعیت‌های یادگیری گوناگون، بهینه‌سازی شرایط و قرار دادن فرصت‌هایی در برنامه‌های درسی برای ایجاد یادگیری توأم با درک و فهم و تفکر نقادانه میسر خواهد شد. برنامه‌های درسی نقش بسزایی در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی دارند. در برنامه‌های درسی، باید روش‌هایی اتخاذ شود که به یاری آنها، یادگیرندگان قابلیت‌های چگونه آموختن را به روش انتظام فکری بیاموزند، زیرا معرفت در فرایند اندیشه‌ی منظم رشد می‌یابد (ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۶) و تفکر زمینه‌ساز یادگیری خواهد بود. واتسون و گلیر معتقدند: توانایی تفکر انتقادی، پردازش و ارزشیابی اطلاعات قبلی با اطلاعات جدید است. اگر یادگیرنده نتواند بین مطالب آموخته شده جدید که از طریق برنامه‌ی درسی مدون دریافت نموده است، با مطالب آموخته شده قدیمی، ارتباط برقرار کند، یادگیری معنادار تحقق نخواهد یافت. واقعیت این است که وضعیت کنونی دانشگاه‌های ایران در توجه به تفکر انتقادی وضعیت قابل قبولی نیست. هرچند که در بروز این نقصان، مراحل آموزشی قبل از دانشگاه نیز تاثیرات قابل توجهی از خود بروز داده‌اند، ولی کاستی‌های موجود در دانشگاه‌ها و به ویژه برنامه‌ی درسی دانشگاه‌ها در این راستا، موثر بوده است. در سال‌های اخیر توجه به تامین پشتوانه‌های علمی و پژوهشی مناسب برای اصلاح فرایند رشد تفکر انتقادی دانشجویان در دانشگاه‌های ایران آغاز شده است.

## پیشنهادها

- \* برنامه‌ی درسی باید به گونه‌ای سازمان یابد که:
- \* زمینه‌ساز تفکر انتقادی باشد.
- \* با ایجاد فرصت‌هایی برای پرسش‌گری و کاوش‌گری نظام‌مدار درباره‌ی واقعی‌تها، پرداختن به تفکر انتقادی را از یادگیرندگان طلب کند.
- \* یادگیرندگان را به جمع‌بندی و بسط اطلاعات، آفریدن و تجزیه و تحلیل هدایت کند تا به تدریج عادت به رفتار فکورانه و هوشمندانه در آنان شکل گیرد.
- \* در برگزیده‌ی تمرینات متنوع حول یک موضوع باشد، تا سبب پرورش تفکر انتقادی در یادگیرندگان شود.
- \* در برگزیده‌ی تکالیفی باشد که به سطوح بالای تفکر مانند داوری، انتقاد، استدلال، و تمرین‌های ذهنی نیاز دارند.
- \* سبب کسب حقایق در ضمن تفکر و به کار بردن حقایق در جریان تفکر شود.
- \* مطالب درسی را به صورت مسئله در قالب برنامه‌ی درسی برای یادگیرندگان مطرح کند؛ به گونه‌ای که سؤالات منحصر به روش بسته پاسخ نباشند.
- \* معلمان باید در نقش خود بازنگری کنند و فعالیت‌های خود را بر آموزش مهارت‌ها و روش‌هایی متمرکز سازند که شاگردان برای تحقیق مستقل بدان احتیاج دارند.
- \* دانش‌آموزان باید در کلاس‌های خود با جوانب مختلف و متضاد مسائل گوناگون، از جمله اندیشه‌های اقتصادی، سیاسی اجتماعی، و فرهنگی روبه‌رو شوند و به تمرین تفکر انتقادی درباره‌ی آن مسائل بپردازند.
- \* تدریس باید مشوق تفکر انتقادی باشد و این شیوه تفکر به برنامه‌های درسی و کلاس‌های درس مدارس آورده شود.



# روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی

1 March 2018

www.kaues.com

1st National Conference on Research Achievements in Psychology, Educational Sciences &amp; Humanities

## منابع

- آقازاده، محرم، ۱۳۹۴، راهنمای روش های نوین تدریس، تهران، انتشارات سمت.
- اطهری، زینب السادات؛ شریف، مصطفی؛ نعمت بخش، مهدی و بابا محمدی، حسن ۱۳۸۸. ارزیابی مهارتهای تفکر انتقادی و ارتباط آن با رتبه آزمون سراسری.
- بابامحمدی، حسن، خلیلی، حسین، ۱۳۸۳، مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۴
- برخوردار، محمد و همکاران، ۱۳۸۹، بررسی رابطه تفکر انتقادی و عزت نفس دانشجویان. دانشگاه علوم پزشکی سال ۱۳۹۵
- جمال سلیمی، کیوان بلند همتیان، خاطره یاری. برنامه درسی و تفکر انتقادی: مطالعه تجارب دانشجویان کارشناسی ارشد. فصلنامه پژوهشهای کیفی در برنامه ریزی درسی، سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۱
- جهانی، جعفر، ۱۳۸۱، نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتیو لیپمن. صلبنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی «تابستان ۱۳۸۱ شماره ۴۲
- حسینی راد، سیده زینب؛ علمداری، وحید ۱۳۹۰، برنامه درسی پرورش تفکر انتقادی، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۳، دوره بیست و ششم.
- حسینی راد، سیده زینب. علمداری، وحید. برنامه درسی پرورش تفکر انتقادی. مجله رشد تکنولوژی. شماره ۳. سال ۱۳۹۵
- دوبونو، ادوارد، ۱۳۹۲، شش کلاه تفکر - نگاهی تازه به مدیریت اندیشه، (ترجمه آذین ایزدی فر)، تهران: انتشارات پیک بهار، چاپ ششم.
- عارفی، محبوبه و رضایی زاده، مرتضی ۱۳۹۰، مروری بر نقش و جایگاه برنامه درسی دانشگاهی و رشد تفکر انتقادی دانشجویان. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی.
- عارفی، محبوبه. رضایی زاده، مرتضی. مروری بر نقش و جایگاه برنامه درسی دانشگاهی در رشد تفکر انتقادی. بهار و تابستان ۱۳۹۰ - شماره ۳ علمی - پژوهشی ISC صفحه ۴۲ تا ۶۲
- طالب، زهرا. استاد عباس، آزاده. تاثیر تفکر انتقادی در برنامه درسی متوسطه. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. دوره ۱۱. شماره ۲
- گندم کار دنیا، هاشمی، سید احمد، زکی پور، روئین تن. ۱۳۹۴. ارائه الگویی برای آموزش تفکر انتقادی به دانش آموزان، کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی
- ملکی، حسن، ۱۳۸۹، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران، انتشارات پیام اندیشه. چاپ بیستم. تابستان ۱۳۹۳
- مصلی نژاد، لیلا، سبحانیان، سعید، ۱۳۸۷، بررسی تفکر انتقادی در دانشجویان آموزش مجازی و سنتی رشته کامپیوتر، مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی،
- هاشمی، سید احمد. ۱۳۸۸، بررسی میزان استفاده تفکر انتقادی در کتاب های درسی علوم اجتماعی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران استان فارس. چاپ شده در مجلات داخلی ISC.
- هاشمی، سهیلا. صالحی عمران، ابراهیم. کرمخانی، زینب. ۱۳۹۳. تفکر انتقادی حلقه مفقود نظام آموزش عالی، فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، دوره ۸، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۹۹-۱۲۳.
- یوسف زاده، مسعود. ارائه الگوی برنامه درسی مهارت های فکری. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تربیتی. مقاله ۸. دوره ۶. شماره ۲۳. تابستان ۱۳۸۹